نگاه

پیروزی انتخابات نتیجه تاکتیک نیست
اگر مردم می‌خواستند...

فرنگیس بیات

پس از اعلام نام «حسن روحانی» به عنوان رییس‌جمهور منتخب ملت ایران، تحلیل‌های مختلفی از سوی مخبران وابسته به جناح اصولگرایی مطرح شده است. تفسیر رای مردم به رییس‌جمهور منتخب تقریبا درهمه این تحلیل‌ها به یک نقطه ختم می‌شود و آن تدافع‌گری قدرت اصولگرایان است. انتقاد از اینکه اصولگرایان درانتخابات‌های مختلف دست به شکل‌هایی از ائتلاف می‌زنند و در پایان انتخابات، چیزی از این ائتلاف‌ها عایدشان نمی‌شود، گلایه نخبگان راست‌گرای است که در بیشتر این یادداشت‌ها و نقدها به آن برمی‌خوریم. نقطه کانونی در جرایانی ناکامی اصولگرایان همانند کاهی و سستی دانش‌آموز کندی مورد شماتت قرار می‌گیرد که گویی، باید درس خود را از حفظ می‌دانسته است اما در فصل امتحان آن را خوب ارایه نداده است. نقطه اوج این شماتت‌ها انجایی است که تحلیلگران داخلی و جریان اصولگرایی کلیت پیروزی رییس‌جمهور منتخب و شکست اصولگرایان را در توانایی «ائتلاف» و «عدم ائتلاف» برای هوادارانشان توجیه می‌کنند. نویسندگانی که ازعصر شنبه به‌دنبال جرایی رای‌نیاوردن اصولگرایان هستند، کل ماجرای پیروزی حسن روحانی رییس‌جمهور منتخب را در عالی‌نردبون، پرتگاه بودن و موفقیت‌شناسی تکنیکی اصلاح‌طلبان و موفقیت آنها در «فصل زمین» در ائتلاف میان میانه‌روهای اصولگرا و اصلاح‌طلب جست‌وجو می‌کنند. اما واقیت پیروزی حسن روحانی در روز جمعه امری فراتر از تکنیک و تاکتیک و فنون انتخاباتی است. شاید حتی امروز هم برای تحلیل این پیروزی بسیار زود باشد. الزاما روشن‌شدن زمینه‌های دیگر این انتخاب را به زمان دیگری باید وانهاد، اما فقط اینکه، با قاطعیت باید گفت، پیروزی حسن روحانی بازهمین رییس‌جمهور ایران را نمی‌توان به مساله «تکنیک انتخاباتی» تقلیل داد. این یادداشت خواهد گفت که دلیل رای اکثریت مردم به حسن روحانی را نه می‌توان به فنون انتخاباتی فروکاست و نه می‌توان گفت که محتوای شعارهای روحانی بیش از سایرین شور و امید را در جامعه برانگیخت، چراکه این دلیل نیز چیزی جز نگاه تاکنیکی به چگونگی القای تبلیغات به مردم نیست. بی‌شک در قبال مردم به روحانی - در زمانی که عده‌ای چندان رمقی برای رفتن به پای صندوق رای برای مردم باقی نگذاشته بودند - پیامی نهفته است که حامل نویدهایی برای گشودگی سیاسی - اجتماعی و ترسیم تصویری از انتشار آزادی است. چنین تصویری را روحانی و عارف به اسم ساخته‌اند. این دریافت برداشت و این تفسیر از آزادی مطلوب، فضای متصوری بود که هواداران روحانی از فحوای کلام او و گاه با اشاره‌های مستقیم او دریافت می‌کردند. هواداران با تفسیر از اسامی، نام‌ها، موقعیت‌ها، یادآوری‌های تاریخی، رفتارها و برخوردهای روحانی به این برداشت رسیدند که جهان کوچه و خیابان آنها با او دگرگون خواهد شد. درمیان ابراز احساسات و فریادهای «ورور» یا مردم همدلی نشان می‌داد. روحانی در مبارزات انتخاباتی‌اش در مقابل شعارهای مبتنی چند گانه‌گرایی، شعار را تغییر داد نه که کلمات را جرخاند و خلاصه اینکه اجازه داد مردم حرفشان را بزنند؛ حرف آنها را نه عوض کرد و نه قطع کرد. برداشت مردم از روحانی این بود که او حرف‌های مگوی چهارسال

گذشته را می‌شنود. شاید با آنها همدلی نکند یا اهمیت آن مسایل برای او چندان مهم نباشد، ولی او مانع آنها در بیان خواهش‌هایشان نشد. چنین رفتاری، تصویر مردم از فضای آزاد بعد از انتخاب را کامل می‌کرد.

در این میان، ناگفته نماند که بدون شک کنار گیری بزرگوارانه «محمدرضا عارف» درسی است برای سیاست‌ورزی مردمیدار که باید در مورد آن بسیار نشست. تصمیم عارف جدای از بار به قول اصولگرایان تاکتیکی آن، درسی اخلاقی به سیاست است که در اذهن عمومی؛ بر «نفع شخصی» غلبه پیدا می‌کند. درباره اهمیت تصمیم عارف در کنارگیری‌اش همین بس که در فقدان نظام حزبی در پهنه سیاسی کشوری مثل ایران، میان دولت‌ها - برگزاری کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر و شهروندی در ایران و تنظیم سند راهبردی آن و سایر کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی، اجرای دفتر خدمات حقوق بین‌المللی ایران، تقویت شبکه دادوی ایران در سازمان جهانی تجارت، تلاش برای عضویت در اعضای غیردایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، تلاش برای کسب کرسی دبیرکلی اپوک و بسیاری موارد دیگر را اثناء کرد. واقعیت مساله این است که ملت آگاه ایران با پیروی و انتخاب سیستم عقلانیت و اصلاح‌طلبی قام مهمی برای بیرون‌رفت از مضلات موجود برداشتند و جامعه جهانی نیز با استقبال از این امر از نفش مؤثر و ارزشمند ایران در تقویت صلح و امنیت بین‌المللی آگاه است و ایران با تعامل سازنده با در نظر گرفتن چارچوب‌های نظام و قانون اساسی می‌تواند این نقش‌آفرینی را به نحو احسن انجام دهد. واقعیت مساله این است که این آثار و تحقق آنها موجب سربلندی، عزت و تداوم نظام و ایران و ایرانی خواهد

● حقوقدان بین‌الملل
ادامه در صفحه ۹

روزنه

تاثیرات حقوقی پیروزی عقلانیت

حسین احمدی‌نیاز

رای اکثریت ملت شریف ایران به برنامه‌های دکتر حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری که منتکی به برنامه‌هایی با مشی اعتدال، عقلانیت، قانونگرایی و اصلاح‌طلبی بود، موجب شادی عظیم مردم شریف و جامعه ایرانی و استقبال جامعه بین‌المللی و جهانی شد. این امر اثرات زیادی بر حقوق ملت ایران در ابعاد داخلی و بین‌المللی دارد و خواهد داشت. از بعد داخلی اجرای برنامه‌های دکتر روحانی در تدوین منشور حقوق شهروندی و ایجاد ساروکار سازمانی، اداری و اجرایی آن، تاسیس نهادهای حقوقی فصل حقوق ملت در قانون اساسی، همکاری با قوه محترم قضاییه در کاهش دعاوی و موارد اصل ۱۵۶ قانون اساسی، حل و فصل اختلافات شهروندان، تقویت نهادهای مدنی، کاهش نرخ جرایم، تضمین حقوق شهروندی، تعریف جرم سیاسی و تدوین لایحه آن بپروی مردم از عقلانیت در روابط اجتماعی و حقوقی خود، تقویت بنیان خانواده و تلاش برای کاهش آمار طلاق، مبارزه و مقابله علمی و استاندارد با مفوله اعتیاد در جامعه، سامان‌دادن به احتلافات و دعاوی تجاری و بازرگانی، حفظ استقلال کانون وکلای دادگستری، احیای حقوق عامه، گسترش آزادی‌های عمومی و تدوین قانون احزاب و نهادهای سیاسی و گسترش اصول تدوین لوایح قوانین عادی برای اصول قانون‌اساسی، تدوین و تنظیم لایحه قانون مطالبات قومی اقوام ایرانی و ایجاد نهاد اجرایی آن در بدنه دولت را می‌توان نام برد. در بعد بین‌المللی می‌توان حداقل به احیای حقوق ایران در مجامع بین‌المللی، تقویت عزت ایران و جهان و حفظ وبزا از چاپ ایرانیان، بازگرداندن بوونده هسته‌ای از شورای امنیت سازمان ملل، کاهش فشارهای ظالمانه و ناجوانمردانه علیه ایران در حقوق بشر و موقعیت‌شناسی تکنیکی اصلاح‌طلبان و موفقیت آنها در «فصل زمین» در ائتلاف میان میانه‌روهای اصولگرا و اصلاح‌طلب جست‌وجو می‌کنند. اما واقیت پیروزی حسن روحانی در روز جمعه امری فراتر از تکنیک و تاکتیک و فنون انتخاباتی است. شاید حتی امروز هم برای تحلیل این پیروزی بسیار زود باشد. الزاما روشن‌شدن زمینه‌های دیگر این انتخاب را به زمان دیگری باید واهاد، اما فقط اینکه، با قاطعیت باید گفت، پیروزی حسن روحانی بازهمین رییس‌جمهور ایران را نمی‌توان به مساله «تکنیک انتخاباتی» تقلیل داد. این یادداشت خواهد گفت که دلیل رای اکثریت مردم به حسن روحانی را نه می‌توان به فنون انتخاباتی فروکاست و نه می‌توان گفت که محتوای شعارهای روحانی بیش از سایرین شور و امید را در جامعه برانگیخت، چراکه این دلیل نیز چیزی جز نگاه تاکنیکی به چگونگی القای تبلیغات به مردم نیست. بی‌شک در قبال مردم به روحانی - در زمانی که عده‌ای چندان رمقی برای رفتن به پای صندوق رای برای مردم باقی نگذاشته بودند - پیامی نهفته است که حامل نویدهایی برای گشودگی سیاسی - اجتماعی و ترسیم تصویری از انتشار آزادی است. چنین تصویری را روحانی و عارف به اسم ساخته‌اند. این دریافت برداشت و این تفسیر از آزادی مطلوب، فضای متصوری بود که هواداران روحانی از فحوای کلام او و گاه با اشاره‌های مستقیم او دریافت می‌کردند. هواداران با تفسیر از اسامی، نام‌ها، موقعیت‌ها، یادآوری‌های تاریخی، رفتارها و برخوردهای روحانی به این برداشت رسیدند که جهان کوچه و خیابان آنها با او دگرگون خواهد شد. درمیان ابراز احساسات و فریادهای «ورور» یا مردم همدلی نشان می‌داد. روحانی در مبارزات انتخاباتی‌اش در مقابل شعارهای مبتنی چند گانه‌گرایی، شعار را تغییر داد نه که کلمات را جرخاند و خلاصه اینکه اجازه داد مردم حرفشان را بزنند؛ حرف آنها را نه عوض کرد و نه قطع کرد. برداشت مردم از روحانی این بود که او حرف‌های مگوی چهارسال

جهانی، احیای دیپلماسی کشور، جلوگیری از هرج‌ومرج در دیپلماسی خارجی کشور، احیای نقش ایران در حل و فصل اختلافات بین‌المللی میان دولت‌ها - برگزاری کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر و شهروندی در ایران و تنظیم سند راهبردی آن و سایر کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی، احیای دفتر خدمات حقوق بین‌المللی ایران، تقویت شبکه دادوی ایران در سازمان جهانی تجارت، تلاش برای عضویت در اعضای غیردایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، تلاش برای کسب کرسی دبیرکلی اپوک و بسیاری موارد دیگر را اثناء کرد. واقعیت مساله این است که ملت آگاه ایران با پیروی و انتخاب سیستم عقلانیت و اصلاح‌طلبی قام مهمی برای بیرون‌رفت از مضلات موجود برداشتند و جامعه جهانی نیز با استقبال از این امر از نفش مؤثر و ارزشمند ایران در تقویت صلح و امنیت بین‌المللی آگاه است و ایران با تعامل سازنده با در نظر گرفتن چارچوب‌های نظام و قانون اساسی می‌تواند این نقش‌آفرینی را به نحو احسن انجام دهد. واقعیت مساله این است که این آثار و تحقق آنها موجب سربلندی، عزت و تداوم نظام و ایران و ایرانی خواهد

● حقوقدان بین‌الملل
ادامه در صفحه ۹

سیاست

محمدرضا تاجیک در گفت‌وگو با «شرق»
بیداری «زیبای خفته»

«محمدرضا تاجیک، مشاور رییس‌جمهور و رییس «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری در دولت خاتمی بود. تحلیل‌های سیاسی و سرمقاله‌هایش در روزنامه «شرق» آن روزها بسیار پرطرفدار بود. در سال‌های اخیر اما او بیشتر به کار آکادمیک پرداخته و کمتر با روزنامه‌ها و نشریات گفت‌وگو داشته یا مطلبی از او دیده شده است. تحلیل سیاسی -اجتماعی انتخابات اخیر و انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری ایران، موضوع گفت‌وگوی او با روزنامه شرق است. محمدرضا تاجیک قول داده است که در آینده بیشتر و مفصل‌تر با ما به گفت‌وگو بنشیند.

■ ۱۸ میلیون رفته به حسن روحانی در انتخابات اصلاح‌طلب رای دادند. ۱۸ میلیونی که قطعا از یک طبقه و پایگاه اجتماعی و خواسته‌های مشترک نیستند اما قطعا وجوهی از خواسته‌ها. آنها را در انتخاب روحانی به هم گره زده است. در سوال نخست، ما دوست داشتیم تحلیل شما را از پایگاه اجتماعی - طبقاتی رای‌دهندگان به رییس‌جمهوری منتخب بشنویم.

این خیزش مردمی که تداعی‌کننده نوعی «جنبش یا اراده معطوف به حضور» است، بیش و پیش از آنکه بر انگیزش‌ها و آرمان‌های طبقاتی استوار باشد، بر یک مطالبه مشترک، یعنی خواست «تغییر» مبتنی بود. اگرچه در تحلیل نهایی نمی‌توان از نقش طبقه متوسط در این موضوع به سهولت گذشت، اما همچنین نمی‌توان آن را به سطح یک کنش طبقاتی تقلیل داد. تصویر تصور «کل‌بودگی» یا «جمعیت‌بودگی» همواره و همیشه خاستگاه و گرانیگاه طبقاتی واحد نیست. آنچه این کنش جمعی آگاهانه را شکل داد، گره‌خوردگی تمامی ارادههایی بود که می‌خواستند مولف روایت‌های تاریخی‌ای باشند که زندگی و سرنوشتشان را می‌سازد و می‌خواستند به‌مثابه سوژه سیاسی، سیاست را موضوع بازتقریر و بازنشانی خود قرار دهند. بنابراین در فرآیند این خیزش شکوهمند شاهد ساخته‌شدن یک اراده جمعی که محصول بندی حادث و تاریخی مطالبات متفاوت، اما معطوف به تغییر است، هستیم که به‌واسطه یک امر مشترک منفی - شرایطی که در تقابل با همه این مطالبات قرار گرفته بود - به یکدیگر گره خوردند و به خلق یک عاملیت سیاسی فراگیر رسیدند. در شرح سخن، مطالبات جزیی سوژههای اجتماعی متفاوت از خلال «هراری مطالبات» از میان فرد و میان سوژه‌های اجتماعی نوعی همبستگی یا اتصال ایجاد شد و نوعی عاملیت یا سوژه پوپولار متولد شد. بنابراین، آنچه موجب تفوق منطق «هراری» بر منطق تفاوت در این فرآیند شد و سوژه‌های ناهمگن را کنار هم جمع کرد و به آنها قسمی وحدت بخشید، افزون بر وجود یک امر مشترک مثبت و ایجابی - خواست و اراده تغییر - یک منفیت یا امر مشترک منفی و سلبی نیز بود.

■ و در این میان کنش گروه‌های مرجع اصلاح‌طلب را در ترغیب مردم در رای‌دادن به حسن روحانی چطور ارزیابی می‌کنید؟

اگرچه معتقدم عمر گروه‌های مرجع بزرگ سیری شده است، اما تردیدی ندارم که بزرگان اصلاحات در این چرخش قدرت و سیاست نقشی بسزا و تعیین‌کننده‌ای داشتند.

■ و برعکس آن نقش انفعالی گروه‌های مرجع اصولگرا که توانستند به ائتلاف و اجماع بر سر یک نفر برسند و طرفداران خود را ترغیب به رای به یک شخص خاص کنند را تا چه حد در ناکامی این جناح موثر می‌دانید؟

تاملی «فنارشناختی و روانشناختی در حال و احوال برخی از گروه‌های سنتی در جامعه امروز ایران، حکایت از علایم و نشانه‌های نوعی «نابالغی» دارد. سنت سیاسی ایران، دیرزمانی است که به مردم‌یکی تبدیل شده. از این سنت امر تشکیلاتی برون نخواهد تراوید. این عده، هیچ‌گاه دارای مفیضت یا منشور مشخص و مدونی برای رفتار سیاسی خود نبوده‌اند. این گروه از «سیاستمداران»، عمدتا سیاست را متراف با سخن گفتن در سلب این و آن فرض کرده‌اند و با این فرض، بر فرض دوم دشمداد که هرچه سلب بیشتر، سیاست کارآمدتر و سیاست‌پیشه حرفه‌ای‌تر. مشکل دیگر این فکرهای بسته سیاسی آنان است؛ با بهره‌ای از آزادانه از سروده اینهاج گردنی می‌افرازند، سرشان از چرخ فراتر می‌رود، آسمان با همه اختراعش، بوسه می‌زند به سرانگشتانشان، سکه خورشید در مشتشان، یک سر و گردن، گاه نه کم از فاصله کیهانی دارند. این سیاستمداران اختراسا همواره خود را یک ملت می‌دانند و برتر و بهتر از خود نمی‌دانند و نمی‌شناسند. به همین علت در شرایطی بس حساس این اختراسایان در میان خود جمعیت نشدند. تمنا اخیرا تحلیل نمکین آقای «دمنکی» را در نقد رفقای اصولگرای خود خواندید. ایشان از کنترل و مهار غضنفرهای خود سخن می‌گفت که خودشان هم نمی‌توانند خودشان را کنترل و مهار کنند. خودشان هم هم چقدر دنبال خودشان می‌دوند نمی‌توانند خودشان را بگیرند. آقای دمنکی حتما می‌دانند که از ما مطلعه که خیلی از بزرگان و ریش‌سفیدان اصولگرا تلاش واقر کردند تا با تزریق آگاهی به آنان تفاوت احساس تکلیف‌کردن و تکلیف‌شناسی را بیاموزند، اما نشد که نشد. خیلی‌ها تلاش کردند که این احساس تکلیف را از عرصه «آمدن» به ساحت «نیامدن» انتقال دهند، اما نشد که نشد. خیلی‌ها تلاش کردند تا با رعایت اصول، بهویژه اصل «خرج نکردن همه چیز پای یک رفقت»، را به آنان یادآور شوند، اما نشد که نشد و بالاخره، خیلی‌ها تلاش کردند تا آنان را ترغیب و تشویق کنند تا درس اصولگرایی را از اصلاح‌طلبان بیاموزند، اما نشد که نشد. اصولگرایان در این انتخابات نشان دادند که پای صندوق بیایورد. به نظر شما چه عواملی در شکل‌گیری این موج نقش داشت؟

علل و عوامل متعدد و متنوعی در بیداری زیبای خفته امروز جامعه ما نقش داشتند. بی‌تردید، یکی از این عوامل آن‌چیزی است که من از آن به عنوان «شورش موقعیت» نام بردم، «بلوم» می‌گوید: سازمان اجتماعی چارچوبی است که در قالب آن واحدهای کنشگر کنش‌های خود را محقق می‌کنند.

■ موجبی در این دو سه روز آخر رای‌گیری به ویژه بعد از کناره‌گیری آقای عارف بین مردم ایجاد شد و اینکه هرکسی نهایت تلاشش را می‌کرد و سعی داشت به نوعی برخی را که دچار تردید یا ناگاه منفی نسبت به رای‌دادن بودند را به پای صندوق بیاورد. به نظر شما چه عواملی در شکل‌گیری این موج نقش داشت؟

علل و عوامل متعدد و متنوعی در بیداری زیبای خفته امروز جامعه ما نقش داشته‌اند. بی‌تردید، یکی از این عوامل آن‌چیزی است که من از آن به عنوان «شورش موقعیت» نام بردم، «بلوم» می‌گوید: «سازمان اجتماعی چارچوبی است که در قالب آن واحدهای کنشگر کنش‌های خود را محقق می‌کنند». کنش‌های خود را محقق می‌کنند. موقعه‌های سختاری، همچون «فرهنگ»، «نظام‌های اجتماعی»، «فقسربندی اجتماعی»، یا «نقش‌های اجتماعی» شرایطی را برای کنش آنها رقم می‌زنند، اما کنش آنها را تعیین نمی‌کنند. مردم - یعنی واحدهای کنشگر - بر مبنای فرهنگ ساختار یا دیگر موقعه‌های اجتماعی عمل نمی‌کنند، بلکه بر اساس مقتضیات موقعیت‌ها عمل می‌کنند. نقش سازمان اجتماعی، تنها شکل‌دادن به موقعیت‌هایی است که مردم در آن عمل می‌کنند و نیز، تامین و تدارک مجموعه‌های ثابتی از نمادها که مردم در تعبیر و تفسیر موقعیت‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین، بیداری این زیبای خفته را، بیش و بیش از هر چیز باید در پرتو کنش آگاهانه مردم بر اساس مقتضیات موقعیت کنونی تحلیل کرد. اما در کنار این عامل باید به عوامل دیگری همچون: رذصلاحیت هاشمی، هراس از پیروزی برخی کاندیداها، جذابیت گفتمان انتخاباتی روحانی، حمایت خاتمی و هاشمی، شخصیت و گفتمان صادق و صریح عارف و انصراف شجاعانه و آگاهانه ایشان، نمایش نجیبانه جناب رفیعی، طرح احتمال رذصلاحیت روحانی، خستگی و دل‌آزردگی مردم از شرایط «واقعا موجود»، تبدیل‌شدن اصولگرایان به رقیب خود، و... اشاره کرد.

■ سوال دیگر اینکه به نظر شما هدایت مطالبات برخواسته از این رای باید چه سمت‌وسویی پیدا کند که از یک سو به سرخوردگی اجتماعی نینجامد و از سویی دیگر در همین راستا و با وافقیت به نهادینه شدن مثبت و قابل مشاهده بینجامد؟

نخست بگویم نباید هدایت مطالبات را مترادف با تقلیل و تحدید مطالبات فرض کرد. هدایت مطالبات بیشتر مدیریت مطالبات با هدف مماشت از تجمیع غیرمنطقی، رادیکالیزه‌شدن یا ایجاد انجماد و انفعال پیرامون آنان است. به بیان ساده‌تر، قرارداد مطالبات در مسیر شایسته و بایسته خود، همان هدایت مطالبات است. اما من می‌خواهم به چهره خود و مهم‌تر هدایت و مدیریت مطالبات در شرایط کنونی اشاره کنم. این چهره از هدایت و مدیریت مطالبات، معنای خود را در برنامه‌ریزی دقیق، چینش تیم کارآمد و صداقت در انجام وعده‌های انتخاباتی (بی هیچ عذر و بهانه‌ای) می‌یابد. به بیان دیگر، بهترین و کارآمدترین طریق و سازوکار هدایت مطالبات، تحقق آنان است.

■ اگرچه آقای روحانی به عنوان یک نامزد مستقل در انتخابات شرکت کرد ولی خیلی‌ها انتخاب او را به واسطه شعارها و نوع گفتمانش می‌دانند و همچنین حمایت اصلاح‌طلبها از او را، به نوعی بازگشت دوباره اصلاحات تعبیر می‌کنند. در این صورت آیا می‌توان بین او و محمد خاتمی مقایسه انجام داد؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها در چیست؟

نسبت به تفاوت‌های این دو بزرگوار کاملا واقفم، اما اجازه بدهید اکنون فقط بر اشتراکات تمرکز کنیم و همه یا ما به حمایت ایشان و تسطیح راه ناهموار ایشان، از مصادرمشدن ایشان توسط دیگران ممانعت به عمل آوریم.

■ و سوال آخر اینکه شما چه چشم‌اندازی از آینده تحول می‌کنید؟

اکنون برای پاسخ به این سوال بسیار زود است. اجازه دهید این بحث را به بعد از اولین اقدام جدی ایشان، یعنی چینش کابینه، موکول کنیم. آن زمان می‌توان بیشتر و روشن‌تر صحبت کرد.

عکس: آیدین رهنمی شرق

سه دهه تمرین دیپلماسی
پازل روحانی

مهسا جزینی

پیش‌بینی روزنامه اسپانیایی چندان هم بیراه نبود. اما ۱۷ سال طول کشید تا به واقعیت بپیوندد. روزنامه «آبث» چاپ «مادرید» سال ۷۵ در جریان سفر «حسن روحانی» به این کشور نوشت که «منابع متعدد او را جایگزین رییس‌جمهور فعلی ایران (هاشمی‌رفسنجانی) می‌دانند. روحانی گفته است اگر قرار تصمیم بگیریم با آمریکا مذاکره کنیم تبدیل به بهترین کشور دنیا خواهیم شد؛ یکبار دیگر هم سال ۸۸ که به دلیل تقلب گسترده برای ریاست‌جمهوری مطرح شد، اما رییس مرکز تحقیقات استراتژیک جمهوری تشخیص مصلحت نظام در همایش ایران آینده؛ گفت: در کشوری که برای مشارکت هزینه بالای سیاسی مطرح می‌شود، اگر قرار باشد من کاندیدا شوم و فردا بیکار، مرد در سر دارم مشارکت کنم باید کسی که مشارکت می‌کند را چاره دهد نه اینکه تنبیه کنند»

تمرین دیپلماسی

اگرچه برای یک دیپلمات خوب‌بودن باید هم زیرک بود و هم به روسی اعتدال داشت و این دو خصلتی است که حسن روحانی به آن متصف است. اما در واقع فراست و میکیاوری، خود معلول است و قابل اکتساب نه علت. آنچه حسن روحانی را یک دیپلمات قابل کرد، تمرین گفت‌وگو و چانه‌زنی بود: چیزی که کمتر به آن اشاره شده است. به همین علت بیش و پیش از آنکه او را «نسخه دیپلمات اعتدالگرا» بنامند باید «مرد رابطه‌ها و مذاکره‌ها» لقبش داد. مروری کلی بر فعالیت‌های کاری حسن روحانی در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که او همواره علاقه خاصی به تعامل و گفت‌وگو، آن هم از نوع دیپلماتیک داشته است. حتی در زمان نماینده مجلس شدن و به ریاست کمیته دفاع رسید، چه وقتی به نمایندگی از مردم تهران به پارلمان رفت و نایب‌رییس شد و چه زمانی که به دبیری شورایعالی امنیت ملی رسید او علاقه خاصی به گفت‌وگو داشته است تا جایی که وقتی از او درباره مجلس چهارم سوال می‌کنند، همواره می‌گوید: «شیخ دیپلمات» نتیجه می‌گیرد که: «در مجموع شرایطی فراهم آمده بود که اگر جنگ ادامه می‌یافت، تلفات زیادی می‌گرفت و پیروزی در جنگ آسان نبود و قدرتفرشه شکل منطقه‌ای به خود می‌گرفت»، روحانی معتقد بود: از این رو به هیچ وجه اهدافمان رسیده بودیم و خاکمان را از صدام پس گرفته و ملشین جنگ او را تا حدود زیادی از کار انداخته بودیم و به عبارتی جنگ متجاوز تمیشه شده بود»

سال ۶۸، اما سال پرکار و سرنوشت‌سازی برای حسن روحانی است. او باز نماینده مجلس می‌شود، اما این‌بار از تهران و نه از زادگاهش سمنان. این دوره نماینده‌گی او مصادف است با آغاز دوران سازندگی روحانی که سمبلی از حامیان هاشمی است. به نظر می‌رسد سفرهای دیپلماتیک چند سال گذشته در نگاه او به اقتصاد هم چرخش ایجاد کرده تا جایی که در برابر نقدهایی که به سیاست‌های دولت یوپوزه در حوزه اقتصاد می‌شود، می‌گوید: «دولت هاشمی دولت ضعیفی نیست و از اقتصاد نمی‌ترسد و نباید هم ترسید. نگذارید در برابر دولت و مسوولان اجرایی به دروغ سخن گفته شود. رفسنجانی نزد مقام معظم رهبری محبوب‌ترین، عزیزترین و بالاترین شخصیت و چهره انقلابی و است؛ در همین سال و در حالی که همچنان نماینده مجلس هم هست، از سوی هاشمی به سمت مشاور رییس‌جمهور در امور امنیت و دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌شود؛ مسندی که ۱۶ سال دوران سازندگی و اصلاحات بر این می‌ماند. در همان سال هم مقام‌معظم‌رهبری، روحانی و حاج‌احمد خمینی را نماینده خود در شورایعالی امنیت ملی می‌کند. در علت این انتخاب هم به تجربه روحانی در مسایل دفاعی کشور اشاره می‌شود. در همان سال او از پارلمان عضو هیات مذاکرات صلح ایران و عراق می‌شود که در زنو به ریاست «علی‌اکبر ولایتی» در حال برگزاری است. در نهایت، حسن روحانی در آن زمان درباره قطعنامه و پذیرش فرآیند صلح از سوی ایران تحلیلی ارایه می‌دهد که می‌توان آن را در چند بخش خلاصه کرد: از نظر او اول، وزود، آشکار آمریکایی‌ها به جنگ، باعث شده بود ایرانی‌ها عملا در دو جبهه بجنگند، دوم اینکه «گوه هفت» تصمیم به یاری کردن عراق در جنگ گرفته بودند، سوم، رسیدن نفت به قیمت زیر ۱۰دلار و اینکه باعث شده بود بیشتر بودجه سال ۶۷ استرفاض شود. بنابراین «شیخ دیپلمات» نتیجه می‌گیرد که: «در مجموع شرایطی فراهم آمده بود که اگر جنگ ادامه می‌یافت، تلفات زیادی می‌گرفت و پیروزی در جنگ آسان نبود و قدرتفرشه شکل منطقه‌ای به خود می‌گرفت»، روحانی معتقد بود: از این رو به هیچ وجه اهدافمان رسیده بودیم و خاکمان را از صدام پس گرفته و ملشین جنگ او را تا حدود زیادی از کار انداخته بودیم و به عبارتی جنگ متجاوز تمیشه شده بود»

سال ۷۰، به مناسبت ۲۲بهمن در قم سخنرانی می‌کند و در صحبت‌هایش به افراد و گروه‌هایی که منتقد موضع بی‌طرفی ایران و معتقد بودند حالا که صدام با آمریکا می‌جنگد، ما هم باید در کنار او به جنگ با آمریکا برویم، واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «شعار لیبرال‌بودن و ادبکال‌بودن خطری است که الان ما را تهدید می‌کند»

در همان سال سلامتعلمانی در دانشگاه صنعتی «امیرکبیر» درباره تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود. طرفین مناظره در چهارمین جلسه حسن روحانی،دبیر شورایعالی امنیت ملی و «هاشم آقاجری» از اعضا اتحبر اسلامی مدیریت دانشگاهند. در این مناظره آقاجری به جنرال‌های بازار موشک سازندگی انتقاد دارد و ورود تکنولوژی به این شکل را آغاز وابستگی قلمداد می‌کند. اما روحانی می‌گوید که «اگر دنبال رامی برویم که تکنولوژی عقب بمانیم» در برابر اینده مسوول خواهیم بود؛ بعد هم تاکید می‌کند: «برخی با طرح سوال اتاقکنند که میان توسعه پیشرفت و حفظ اتقلال تضاد وجود دارد؛ دنیای جدید دشمن بیرونی را خطر چندانی برای کشور نمی‌داند. و خطر از درون می‌داند و در گفتوگویی هشدار داده است: «دشمن خارجی هر چقدر هم خطرناک باشد، دشمن اصلی ما نخواهد بود و اگر بخواهیم قدرتی برای مبارزه با او بر ایفای نقش پیش‌بینی کنیم، باید به داخل بینندیشیم نه خارج» با آغاز هشت سال سفرها و دیدارهای خارجی نایب‌رییس کمیسیون سیاست خارجی مجلس چهارم هم اوج می‌گیرد تا مشق دیپلماسی او که قرار است در سمت دبیری شورایعالی امنیت ملی و پیشبرد پرونده هسته‌ای روزی به کارش آید، کامل شود. روحانی به ویژه نگاه مثبتی به غرب دارد. تعاملات او در دوره‌ای که نماینده مجلس است همین را نشان می‌دهد. خودش هم در همان زمان می‌گوید کشورهای غربی از دوستی با ایران هرگز زیان نمی‌بینند. دیدار با معاون دوره‌ای وسیه، سفیر مجارستان و فرانسه از موضوع کشورهای آذربایجان و قزاقستان و پیامد عملکرد یکجانبه کشور روسیه درباره دریای خزر انتقاد می‌کند. او خواستار توسعه روابط با ایتالیا، مجارستان و تشکیل گروه دوستی پارلمانی می‌شود. یکسال بعد با سفیر کرشمه‌ای و استرالیا با عنوان نایب‌رییس مجلس دیدار می‌کند و همچنان خواستار توسعه روابط بین دو کشور می‌شود. بعد به سراغ ایران سیاسی-اقتصادی آلمان می‌رود و با عضو هیات‌رییسه حزب سوسیال‌دموکراسی آلمان ملاقات می‌کند. معاون سیاسی وزارت خارجه آلمان می‌آید به ایران می‌آید و هیات پارلمانی ایران در سفری چهارروزه راهی آن کشور می‌شود. کشور بعدی انگلیس است که کارداران با دیدار دیدار می‌کند و بعد مقامات مجلس خلق سوریه‌اند که سراغ او می‌روند. سفیر ایتالیا و بعد سفیر ترکیه هم در سال ۷۳ یکه‌به‌یک با روحانی دیدار دارند. همان سال رییس کمیسیون سیاست خارجی آلمان می‌گوید با حسن روحانی نایب‌رییس مجلس این بعطور ایران به تماس است و بعزودی برای توسعه روابط سیاسی پارلمانی رهسپار ایران می‌شود. پنتسبند آن، مشاور صدرامقام وقت آلمان و روحانی باهم دیدار می‌کنند و قرار می‌شود برای مبارزه با تروریسم و قاچاق موادمخدر همکاری‌هایی بین دو کشور صورت گیرد. مذاکرهها و رابطه‌ها همچنان ادامه دارد، روحانی باز به سراغ فرانسه می‌رود و آسمان صاف خواهد شد؛ روحانی موضع ایران را در برابر دشمن پیشین اینطور ارزیابی می‌کند: «ما قدم به قدم تصمیم می‌گیریم، ما با تجزیه، تغییر نقشه جغرافیایی و زمن اماکن مقدسه و مسکونی مخالفیم و رسما تصمیم گرفتیم غذا و دارو به مردم عراق کمک کنیم»

شیخ اعتدال سال ۷۰، به مناسبت ۲۲بهمن در قم سخنرانی می‌کند و در صحبت‌هایش به افراد و گروه‌هایی که منتقد موضع بی‌طرفی ایران و معتقد بودند حالا که صدام با آمریکا می‌جنگد، ما هم باید در کنار او به جنگ با آمریکا برویم، واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «شعار لیبرال‌بودن و ادبکال‌بودن خطری است که الان ما را تهدید می‌کند»

در همان سال سلامتعلمانی در دانشگاه صنعتی «امیرکبیر» درباره تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود. طرفین مناظره در چهارمین جلسه حسن روحانی،دبیر شورایعالی امنیت ملی و «هاشم آقاجری» از اعضا اتحبر اسلامی مدیریت دانشگاهند. در این مناظره آقاجری به جنرال‌های بازار موشک سازندگی انتقاد دارد و ورود تکنولوژی به این شکل را آغاز وابستگی قلمداد می‌کند. اما روحانی می‌گوید که «اگر دنبال رامی برویم که تکنولوژی عقب بمانیم» در برابر اینده مسوول خواهیم بود؛ بعد هم تاکید می‌کند: «برخی با طرح سوال اتاقکنند که میان توسعه پیشرفت و حفظ اتقلال تضاد وجود دارد؛ دنیای جدید دشمن بیرونی را خطر چندانی برای کشور نمی‌داند. و خطر از درون می‌داند و در گفتوگویی هشدار داده است: «دشمن خارجی هر چقدر هم خطرناک باشد، دشمن اصلی ما نخواهد بود و اگر بخواهیم قدرتی برای مبارزه با او بر ایفای نقش پیش‌بینی کنیم، باید به داخل بینندیشیم نه خارج» با آغاز هشت سال سفرها و دیدارهای خارجی نایب‌رییس کمی